



توقه قضائیه  
دانشگاه علوم قضائیه و خدمات اداری

رساله دوره دکتری

حقوق خصوصی

مبانی نظری اعتبار رأی اکثریت در شرکت سهامی

استاد راهنما:

دکتر محمد صفری

استاد مشاور:

دکتر سیامک رهپیک

دکتر کمال نیک فرجام

دانشجو: رضا خودکار

آبان ۱۳۹۸

# بایگاه اطلاعات علمی ایران

این رساله را تقدیم می‌کنم به

پدرم:

شادروان ابوالفضل خودکار که بذرعشق به آموختن رادردلم کاشت؛

ومادرم:

که دعای خیرش، همواره بدرقه راهم بوده است؛

و، همسرم:

که نگارش این اثر را مشتاقانه به انتظار نشست.

## تقدیر و تشکر

چنانکه پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) فرموده‌اند: «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»؛ بدین سان بر خود فرض می‌دانم از تمامی معلمین و اساتیدی که از آغاز تحصیل تا کنون از محضرشان کسب فیض کرده‌ام، قدردانی نمایم. بدون شک نگارنده بیش از همه وامدار دو تن از اساتید بنام حقوق تجارت است: استاد ارجمند جناب آقای دکتر صقری که به عنوان استاد راهنما قبول زحمت فرمودند و در تمامی مراحل نگارش این اثر از نصایح مشفقانه ایشان بهره‌مند گردیدم؛ و استاد ارجمند جناب آقای دکتر پاسبان که الفبای حقوق شرکت‌های تجاری را در محضر ایشان آموختم. از اساتید محترم مشاور آقایان دکتر ره‌پیک و دکتر نیک‌فرجام که با نصایح خود در هر چه بهتر شدن این اثر اینجانب را راهنمایی نمودند، تشکر می‌نمایم. هم‌چنین مراتب سپاس خود را به اساتید معظم داور آقایان دکتر فیضی چکاپ- که در مقطع کارشناسی ارشد از ایشان کسب فیض کردم-، دکتر خادم‌ان- که در مقطع دکترا افتخار شاگردی ایشان را داشته‌ام- و دکتر اسماعیل تبار اعلام می‌نماید. بر خود لازم می‌دانم مراتب قدردانی خود را از زنده‌یاد استاد دکتر کاویانی، که انتخاب موضوع این رساله به پیشنهاد ایشان بود، اعلام نماید. از آقای پرویز رحمتی که از بدو نگارش این اثر نویسنده را یاری رسانده است، نیز تشکر می‌نماید. هم‌چنین از سرکار خانم دکتر معین و سرکار خانم هادی‌پور که دست‌رسی نگارنده به منابع و مقالات معتبر خارجی را تسهیل نمودند قدردانی می‌کند. در پایان از تمامی بزرگوارانی که همواره لطف داشته‌اند و در نگارش این رساله نویسنده را یاری نموده‌اند و در این مختصر مجال ذکر نامشان نیست، تشکر می‌نماید.

## چکیده:

در حالی که در مشارکت‌های مدنی و برخی از اقسام شرکت‌های تجاری تصمیمات به اتفاق آراء اتخاذ می‌شود، در شرکت‌های سهامی تصمیمات به وسیله اکثریت گرفته می‌شود. اتخاذ تصمیم به وسیله اکثریت در شرکت‌های سهامی این پرسش را مطرح می‌کند که چرا قدرت برتر و سکان هدایت شرکت، به دست سهامداران اکثریت سپرده شده و مبنای اعتبار قدرت برتر اکثریت کدام است. در پاسخ به این پرسش سه مبنای سیاسی، اقتصادی و حقوقی ارائه گردیده است. در حقیقت هر یک از این سه دیدگاه به گونه‌ای تلاش کرده‌اند تا به پرسش فوق پاسخ داده و اعمال قاعده اکثریت را توجیه کرده و به آن برتری بخشند. در این جا تلاش گردیده است هر یک از این سه مبنا بررسی شده تا مشخص گردد کدام یک از آنها می‌تواند به پرسش فوق پاسخ دهد و قدرت برتر اکثریت را توجیه کند. نتیجه‌ای که از این بررسی حاصل می‌گردد این است که قاعده اکثریت از جمله مفاهیمی است که از علم سیاست وارد حقوق شده است، با این همه پایداری این قاعده به جهت مزایایی است که از حیث تحلیل اقتصادی دارد. اگر چه مبنای سیاسی و اقتصادی می‌تواند قدرت برتر اکثریت را توجیه کند، اما در این راه نباید چنان افراط کرد که نقش مبنای حقوقی نادیده انگاشته شود. مبنای حقوقی به خوبی از عهده توجیه قاعده اکثریت بر می‌آید و اعمال این قاعده را نباید صرفاً بر مبنای سیاسی یا اقتصادی مبتنی دانست. به علاوه در بین مبنای حقوقی، «قاعده تبعیت عقد از قصد» و «نظریه شرط ضمن عقد» بیش از دیگر مبنای حقوقی، اصل ذینفع قانونی - قاعده مدیریت داخلی - جلوگیری از طرح دعاوی بی‌شمار، در توجیه قاعده اکثریت ایفای نقش می‌کند.

نکته مهم دیگر در خصوص قاعده اکثریت این است که اعمال این قاعده می‌تواند به پایداری شدن حقوق اقلیت منتهی شود، بنابراین در کنار استفاده از این قاعده و بهره‌مندی از منافع آن، باید برای حمایت از حقوق اقلیت و ایجاد تعادل میان سهامداران اقلیت و اکثریت قواعدی وضع گردد. در حقوق ایران قواعدی در این زمینه وضع گردیده اما برای حمایت از اقلیت کافی نبوده و بنابراین اصلاح این مقررات پیشنهاد شده است.

جهت بررسی شایسته چرایی اعتبار رأی اکثریت این رساله در سه بخش ارائه گردیده است: ابتدا مفهوم قاعده اکثریت، کارایی و اهمیت شرکت سهامی بررسی گردیده و سپس در بخش دوم مبنای سیاسی و اقتصادی و در بخش سوم مبنای حقوقی تحلیل شده است.

**کلید واژگان:** قاعده اکثریت - مبنای نظری اعتبار رأی اکثریت - حمایت از سهامداران اقلیت.

## فهرست مطالب

	چکیده
۱	مقدمه
۱	۱. بیان مسئله
۲	۲. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق
۲	۳. سؤال‌های تحقیق
۲	۴. فرضیه‌های تحقیق
۳	۵. پیشینه‌ی تحقیق
۴	۶. پیش‌بینی محتوا و ساختار تحقیق
۴	۷. روش تحقیق
۵	۸. کاربردهای احتمالی تحقیق
۶	بخش نخست: قاعده اکثریت، کارآیی و ماهیت شرکت سهامی
۶	فصل نخست: قاعده اکثریت و کارآیی
۶	گفتار نخست: قاعده اکثریت
۷	بند نخست: مفهوم قاعده اکثریت و انواع آن
۹	الف- ویژگی‌های قاعده اکثریت
۹	یکم- منصفانه بودن
۹	دوم- قطعیت
۹	سوم- برابری
۱۰	ب- انواع اکثریت
۱۰	یکم- اکثریت نسبی
۱۱	دوم- اکثریت مطلق
۱۱	سوم- اکثریت صالح یا شایسته
۱۱	بند دوم: ریشه‌های تاریخی
۱۳	الف- عقل‌گرایی یا اصالت عقل بشری
۱۳	ب- انسان‌گرایی یا اومانسیم
۱۴	ج- اصل رضایت‌مندی

۱۵	گفتار دوم: کارآیی
۱۵	بند نخست: نظریات مبتنی بر فایده گرایی
۱۵	الف- مکتب فایده گرایی و کارآیی
۱۶	ب- کارآیی پارتویی
۱۸	ج- کارآیی کالدور-هیکس
۲۰	بند دوم: کارآیی به معنای حداکثر سازی ثروت
۲۳	فصل دوم: ماهیت و استقلال شخصیت حقوقی شرکت و ساز و کار اداره‌ی شرکت سهامی
۲۴	گفتار نخست: دیدگاه‌های ناظر بر ماهیت شرکت و استقلال شخصیت حقوقی شرکت
۲۴	بند نخست: ماهیت و مبنای شرکت تجاری
۲۵	الف- نظریات مختلف در خصوص شرکت تجاری
۲۶	یکم- تئوری فرضی بودن
۲۷	دوم- تئوری واقعیت گرایانه
۲۸	سوم- تئوری اعطا
۲۹	چهارم- تئوری مالکیت
۲۹	پنجم- تئوری کلسن
۳۰	ششم- تئوری هدف
۳۱	ب- فرضیات مربوط به شرکت تجاری
۳۱	یکم- نظریه سازمانی
۳۲	دوم- نظریه قراردادی
۳۷	بند دوم: استقلال شخصیت حقوقی شرکت و آثار آن
۴۲	گفتار دوم: جایگاه شرکت سهامی و ساز و کار اداره‌ی آن
۴۲	بند نخست: انواع شرکت‌های تجاری و جایگاه شرکت سهامی
۴۵	بند دوم: ساز و کار اداره شرکت سهامی
۵۰	بخش دوم: مبانی سیاسی و اقتصادی
۵۰	فصل نخست: مبنای سیاسی
۵۱	گفتار نخست: تشبیه شرکت سهامی به نهاد سیاسی و توجیهات قاعده اکثریت
۵۱	بند نخست: تشبیه سازی شرکت سهامی و نهاد سیاسی

۵۱	الف- تلقی سهامدار به عنوان مالک/اصیل
۵۲	ب- تلقی سهامدار به عنوان ذینفع
۵۵	ج- تلقی سهامدار به عنوان ناظر
۵۷	د- تلقی سهامدار به عنوان شرکت کننده در یک نهاد سیاسی
۶۰	بند دوم: توجیحات قاعده
۶۰	الف- اکثریت ارزش یا حقیقت
۶۳	ب- دلایل توجیه کننده قاعده
۶۴	یکم- توجیه قاعده بر مبنای تساوی انسانها
۶۵	دوم- توجیه قاعده بر مبنای کارآمدی و توسعه اقتصاد سرمایه داری
۶۶	سوم- سایر توجیحات
۶۹	گفتار دوم: اعمال قاعده اکثریت در حقوق شرکت‌های سهامی و لزوم حمایت از سهامداران اقلیت
۶۹	بند نخست: اعمال قاعده در حقوق شرکت‌های سهامی
۷۳	بند دوم: لزوم حمایت از سهامداران اقلیت
۸۱	فصل دوم: مبنای اقتصادی
۸۲	گفتار نخست: کارآیی و هدف حقوق شرکت‌ها
۸۲	بند نخست: قاعده اکثریت و تحقق کارآیی
۸۲	الف- قاعده اتفاق آراء و تحقق کارآیی
۸۶	ب- قاعده اکثریت عددی و تحقق کارآیی
۸۷	ج- قاعده اکثریت سرمایه‌ای و تحقق کارآیی
۹۰	بند دوم: قاعده اکثریت و به حداکثر رساندن ثروت
۹۲	گفتار دوم: کاهش هزینه‌های شرکت و تعادل
۹۲	بند نخست: قاعده اکثریت و کاهش هزینه‌های شرکت
۹۵	بند دوم: قاعده اکثریت و ایجاد تعادل
۹۵	الف- تعارض میان منافع سهامداران
۱۰۳	ب- قواعد ایجاد کننده تعادل
۱۰۳	یکم- اصل قابلیت انتقال سهام
۱۰۶	دوم- حق تصمیم‌گیری موردی



۱۰۸	سوم - سهام ممتاز
۱۱۴	بخش سوم: مبنای حقوقی
۱۱۴	فصل نخست: توجیه قاعده بر مبنای استقلال شخصیت حقوقی شرکت و حاکمیت اراده سهامداران
۱۱۵	گفتار نخست: مبنای مبتنی بر استقلال شخصیت حقوقی شرکت
۱۱۵	بند نخست: اصل ذینفع قانونی
۱۲۲	بند دوم: قاعده مدیریت داخلی، جلوگیری از طرح دعاوی متعدد و اصل قضاوت تجاری
۱۲۲	الف - قاعده مدیریت داخلی
۱۲۵	ب - جلوگیری از طرح دعاوی بی‌شمار
۱۲۸	ج - اصل قضاوت تجاری
۱۳۰	گفتار دوم: مبنای مبتنی بر حاکمیت اراده سهامداران و قاعده من له الغنم فعلیه الغرم
۱۳۱	بند نخست: قاعده تبعیت عقد از قصد
۱۳۲	الف - مفهوم قصد
۱۳۹	ب - اعمال قاعده در حقوق شرکت‌های سهامی
۱۴۸	بند دوم: نظریه شرط ضمن عقد
۱۴۹	الف - تبعیت از رأی اکثریت به عنوان شرط ضمن عقد
۱۵۴	ب - آثار توجیه رأی اکثریت به عنوان شرط ضمن عقد
۱۵۹	بند سوم: توجیه رأی اکثریت بر مبنای قاعده من له الغنم فعلیه الغرم
۱۵۹	الف - تبیین قاعده
۱۶۰	ب - قاعده من له الغنم فعلیه الغرم و اعتبار بخشی به رأی اکثریت
۱۶۳	فصل دوم: جایگاه اعمال قاعده و اقامه دعوا به وسیله سهامداران اقلیت
۱۶۴	گفتار نخست: صلاحیت اکثریت و اقامه دعوا از طرف اقلیت جهت حفظ حقوق شرکت
۱۶۴	بند نخست: صلاحیت مجامع
۱۶۷	بند دوم: دعاوی مشتق
۱۷۱	بند سوم: طرح دعوا به جهت نقض مقررات اساس نامه
۱۷۴	بند چهارم: بی‌اعتباری تصمیمات در صورت عدم رعایت حد نصاب قانونی
۱۷۵	گفتار دوم: اقامه دعوا توسط سهامدار اقلیت برای حفظ حقوق قانونی خود
۱۷۶	بند نخست: حق سهامدار در اقامه دعوا در صورت نقض حقوق

۱۷۷	بند دوم: درخواست انحلال شرکت
۱۷۸	بند سوم: اقامه دعوا در صورت رفتار تبعیض آمیز و ناعادلانه
۱۸۰	نتیجه گیری و پیشنهادها
۱۸۹	فهرست منابع

## فهرست اختصارها

	ج	جلد
	چ	چاپ
	ش	شماره
	ص	صفحه
	ق.ا	قانون اساسی
	ق.ا.ا.ق.ا	قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
	ق.ب.ت.ا.ج.ا.ا.	قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران
	ق.ب	قانون بیمه
	ق.ت	قانون تجارت
	ق.ت.ف	قانون تجارت فرانسه
	ق.ش.ا	قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ انگلیس
	ق.م	قانون مدنی
	ق.و.ا	قانون ورشکستگی ۱۹۸۶ انگلیس
	ل.ا.ق.ق.ت	لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت
	نک	نگاه کنید

<b>Ibid</b>	<b>ibidem</b>
<b>No</b>	<b>Numero</b>
<b>Op. Cit.</b>	<b>opere citato</b>
<b>p.</b>	<b>page</b>
<b>Vol.</b>	<b>Volume</b>

## مقدمه

### ۱. بیان مسئله

تبیین مبانی اعتبار رأی اکثریت در شرکت‌های سهامی، از موضوعات حائز اهمیت حقوق شرکت‌ها محسوب می‌شود؛ در حقیقت بررسی این موضوع که چرا فعالیت شرکت‌های سهامی بر مبنای حاکمیت اکثریت استوار گردیده در حالی که فعالیت شرکت‌های مدنی و برخی از اقسام شرکت‌های تجاری - شرکت تضامنی و نسبی - بر پایه‌ی حاکمیت اراده‌ی تمام شرکاء قرار دارد، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در شرکت‌های سهامی تصمیم‌گیری‌ها و سکان هدایت شرکت بر مبنای خواسته‌ی اکثریت سهامداران بوده و اقلیت در اداره شرکت سهم چندانی ایفا نمی‌کند. با توجه به اینکه هر یک از شرکاء سهمی در قرارداد شرکت داشته و تجمیع آورده‌ها و امضای همگان شرکت را به وجود آورده است (مواد ۸، ۱۵ و ۲۰ ل.ا.ق.ت)، این پرسش به میان می‌آید که چگونه می‌توان حق تصمیم‌گیری را به اکثریت سپرد. توجه به چند نکته اهمیت این قاعده را بیش از پیش نمایان می‌سازد: اول آنکه باید توجه داشت اکثریت می‌تواند از این قاعده سوء استفاده کرده و حقوق اقلیت را زیر پا گذارد. گذشته از این باید در نظر آورد که حتی در صورت عدم سوء استفاده نیز احتمال تضییع حقوق سهام داران اقلیت می‌رود، زیرا ممکن است تصمیمات محافظه کارانه یا سیاست‌گذاری‌های اشتباه اکثریت، مانند معاملات کلان یا زیان آور، یا برقراری امتیازات نامتعارف سهام ممتاز یا حقوق گزاف برای اعضای هیئت مدیره، به شکست شرکت و ورشکستگی آن منتهی شود. به علاوه پذیرش شخصیت حقوقی مستقل برای شرکت به قدرت اکثریت دامن می‌زند. زیرا با پذیرش این اصل، علی‌القاعده، صرفاً شرکت می‌تواند به عنوان ذی‌نفع علیه دیگر اشخاص اقامه دعوی کند. مسلماً اراده شرکت مبنی بر طرح دعوا مبتنی بر خواست اکثریت سهامداران است. به علاوه امکان دارد تصمیماتی که اکثریت اتخاذ می‌کند برای اقلیت ایجاد تعهد کرده و ایشان را ملزم به انجام کاری کند که مورد پسندشان نیست، با بررسی مبانی توجیه‌کننده اعتبار رأی اکثریت باید به این پرسش پاسخ گفته شود که آیا رأی اکثریت از چنین توانی برخوردار است. بنابراین در خلال بررسی مبانی رأی اکثریت باید به حقوق اقلیت نیز توجه داشته و به بررسی این موضوع پرداخته شود که قدرت اکثریت در اتخاذ تصمیم در چه مواردی قابل اعمال بوده و برای جلوگیری از سوء استفاده اکثریت چه قواعدی باید وضع گردد.

هم در حقوق ایران که در گروه کشورهای دارای حقوق نوشته قرار دارد و هم در حقوق انگلیس که در خانواده حقوق کامن‌لا جای می‌گیرد، اتخاذ تصمیم در شرکت‌های سهامی بر مبنای قاعده اکثریت است. از این رو مناسب دانسته شد تا با وجود آنکه ق.ت. ایران از ق.ت.ف که دارای حقوق نوشته است، اقتباس

شده موضوع با حقوق انگلیس مقایسه شود و این امر مورد بررسی قرار گیرد که آیا مبانی توجیه کننده رأی اکثریت که در حقوق انگلیس ارائه شده است، در نظام حقوقی ایران نیز می‌تواند راهگشا باشد.

در نظام حقوقی کامن‌لا، از جمله حقوق انگلیس، برای توجیه اعتبار رأی اکثریت در شرکت‌های سهامی سه نظریه ارائه شده است: نظریه سیاسی، نظریه اقتصادی و نظریه حقوقی. مبانی مذکور به وسیله‌ی حقوقدانان غربی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و در اغلب تألیفات حقوق شرکت‌ها به توجیه قدرت برتر اکثریت و مبنای این قدرت پرداخته شده است. در اینجا به بررسی مبانی مزبور پرداخته شده است و در کنار آن تلاش گردیده تا قواعد حقوق ایران مورد مذاقه قرار گیرد و بررسی شود که در حقوق ایران چه مبانی‌ای می‌توان برای اعتبار بخشیدن به رأی اکثریت ارائه کرد. قاعده «تبعیت عقد از قصد»، «نظریه شرط ضمن عقد» و قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» از مبانی‌ای محسوب می‌شود که می‌تواند توجیه کننده رأی اکثریت باشد.

## ۲. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

بررسی مبانی اعتبار رأی اکثریت در شرکت‌های سهامی از موضوعات مهم حقوق شرکت‌های تجاری به شمار می‌آید. زیرا در حالی که شکل سنتی شرکت - شرکت مدنی - و برخی از اقسام شرکت‌های تجاری - تضامنی و نسبی - بر مبنای اتفاق آراء اداره می‌شود، شرکت سهامی بر پایه‌ی اراده اکثریت استوار گردیده است. بنابراین باید به این مهم پرداخته شود که چه ملاحظاتی قانون گذاران را به سمت پذیرش قاعده حکومت اکثریت سوق داده است. به علاوه به منظور جلوگیری از تضييع حقوق اقلیت باید جایگاه اعمال این قاعده نیز تبیین شود.

## ۳. سؤال‌های تحقیق

اعمال قاعده اکثریت در حقوق شرکت‌های سهامی بر چه مبانی‌ای استوار گردیده است؟  
آیا مبانی مبانی سیاسی و اقتصادی می‌تواند قدرت برتر سهامداران اکثریت را توجیه کند؟  
کدام مبانی حقوقی می‌تواند اعتبار رأی اکثریت در شرکت‌های سهامی را توجیه کند؟

## ۴. فرضیه‌های تحقیق

در جهت توجیه قاعده اکثریت و سپردن سکان هدایت شرکت به سهامداران عمده می‌توان سه مبانی سیاسی، اقتصادی و حقوقی را ارائه نمود.

قاعده اکثریت از مفاهیمی است که از علم سیاست به حقوق راه یافته و بنابراین در توجیه این قاعده باید به نظریات سیاسی‌ای که پیرامون این قاعده بیان گردیده توجه داشت. از طرف دیگر باید توجه داشت که از مهم‌ترین اهداف تشکیل شرکت گردآوری سرمایه‌های خرد و کلان در کنار یکدیگر، افزایش بهره‌وری و

کارایی اقتصادی است، بنابراین قواعد حاکم بر حقوق شرکت‌ها باید به گونه‌ای سامان یابد که به تحقق کارایی و تعادل منتهی گردد. در نتیجه قاعده اکثریت بر مبانی سیاسی و اقتصادی استوار گردیده است. قواعدی که به حقوق راه یافته و مورد پذیرش قرار گرفته است بر اساس مبانی حقوقی قابل توجیه است. از این رو «اصل ذینفع قانونی»، «قاعده مدیریت داخلی و جلوگیری از طرح دعاوی بی‌شمار» که بر اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت از سهامداران استوار گردیده است، از مبانی حقوقی‌ای تلقی می‌شود که قدرت برتر اکثریت را توجیه می‌کند. به علاوه از آنجا که تشکیل شرکت محصول عقدی است که شرکا منعقد کرده‌اند، قاعده «تبعیت عقد از قصد» و «نظریه شرط ضمن عقد» که بر مبنای اصل حاکمیت اراده استوار شده است، می‌تواند اعمال قاعده اکثریت را توجیه کند. هم‌چنین در توجیه اعمال این قاعده می‌توان به قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» استناد کرد.

#### ۵. پیشینه‌ی تحقیق

در خصوص مبانی حکومت قاعده اکثریت بر اقلیت در حقوق انگلیس کتب و مقالات متعددی به رشته تحریر در آمده است. از جمله می‌توان به کتاب ( *Rajak, Harry A Sourcebook of Company Law, Jordans Ltd, July, 1989.* ) و ( *Pennington, Robert R., Company Law, Butterworth, 6<sup>th</sup>, 1990.* ) و رساله دکترای آقای عطاءاله رحمانی با عنوان ( *Rahmani, Ataollah, Majority rule and minority shareholder protection in joint stock companies in England and Iran. PhD thesis. Mar 2007, FACULTY OF LAW, BUSINESS AND SOCIAL SCIENCES, University of Glasgow.* ) اشاره کرد.

از منابع فارسی که به بررسی مبانی اعتبار قاعده اکثریت پرداخته است نیز می‌توان به مقاله آقای دکتر عطاءاله رحمانی با عنوان مطالعه تطبیقی مبانی قاعده اکثریت در شرکت‌های سهامی: حقوق ایران و انگلستان (تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۵۰، صص ۴۹۶-۴۵۳) اشاره کرد. لازم به ذکر است که در رساله آقای دکتر رحمانی که به زبان انگلیسی به رشته تحریر در آمده و در مقاله ایشان که به زبان فارسی نوشته شده است، رأی اکثریت بر مبنای تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی توجیه گردیده است؛ هم‌چنین در توجیه رأی اکثریت به مبنای حقوقی نیز توجه شده و اصل ذینفع قانونی، قاعده مدیریت داخلی و جلوگیری از طرح دعاوی بی‌شمار به عنوان مبانی توجیه کننده قاعده اکثریت بررسی شده است.

آقای دکتر محمد صقری نیز در کتاب شرکت‌ها، جلد اول و دوم، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳، در خصوص فرآیند اخذ تصمیم در شرکت‌های سهامی مطالبی را به رشته تحریر در آورده‌اند که در یافتن مبانی اعتبار رأی اکثریت راهگشا خواهد بود. در سایر تألیفات حقوق تجارت نیز مبانی اعتبار رأی اکثریت مطمح نظر قرار گرفته اما تا کنون به بررسی همه جانبه این موضوع پرداخته نشده است.

در اینجا نگارنده تلاش کرده است تا مبانی توجیه کننده رأی اکثریت را تحلیل کند و در این راه به بررسی مبانی سیاسی، اقتصادی و حقوقی پرداخته است. تفاوت این نوشتار با دیگر تألیفاتی که در این زمینه به رشته تحریر در آمده در این است که اولاً مبانی سیاسی و اقتصادی با وسعت بیشتری مورد بررسی قرار گرفته است. ثانیاً بر خلاف دیدگاه آقای دکتر عطاءاله رحمانی که معتقد است اعتبار رأی اکثریت در حقوق ایران صرفاً به جهت اقتباس از مدل شرکت‌ها در حقوق فرانسه است و حقوق اسلام که ماهیت فردگرا دارد و حقوق و تعهدات را صرفاً برای اشخاص طبیعی مجاز می‌داند توان توجیه تصمیم‌گیری بر مبنای رأی اکثریت در حقوق شرکت‌ها را ندارد، نگارنده معتقد است از آنجا که تشکیل شرکت تجارتي بر مبنای عقدی است که میان شرکاء منعقد می‌گردد، «قاعده تبعیت عقد از قصد» و «نظریه شرط ضمن عقد» که از قواعد حقوق اسلام الهام گرفته شده است، می‌تواند قدرت برتر اکثریت را توجیه کند. به علاوه شایسته است «قاعده من له الغنم فعلیه الغرم» نیز مورد بررسی قرار گیرد. در اینجا لازم به ذکر است که نگارنده این حقیقت را که اعتبار رأی اکثریت در حقوق شرکت‌های ایران از حقوق غربی اقتباس شده است، انکار نمی‌کند، اما در عین حال معتقد است که تأثیر قواعد حقوق داخلی نیز بر پذیرش این قاعده قابل کتمان نیست و اگر قواعد حقوقی ایران، که از فقه اسلامی اقتباس شده است، ظرفیت پذیرش و توجیه این قاعده را نداشت، بدون شک قاعده مزبور پایدار نمی‌ماند.

## ۶. پیش‌بینی محتوا و ساختار تحقیق

با عنایت به آنچه در قسمت بیان مسئله آمد، این نوشتار به سه بخش تقسیم می‌گردد: در بخش نخست که به کلیات اختصاص دارد و مشتمل بر دو فصل است، مفاهیم «قاعده اکثریت» و «کارایی» بررسی شده و «قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت» و «فرآیند اخذ تصمیم در شرکت‌های سهامی» نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در بخش دوم که از دو فصل تشکیل گردیده به مبانی سیاسی و اقتصادی اعتبار رأی اکثریت پرداخته شده و تلاش گردیده نظریاتی که علمای علم سیاست و اقتصاد جهت توجیه قاعده اکثریت ارائه کرده‌اند، بررسی و ارزیابی شود.

در بخش سوم نیز ابتدا مبانی اعتبار رأی اکثریت که بر قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت استوار شده مورد بررسی قرار گرفته و پس از آن مبانی مبتنی بر حاکمیت اراده بررسی شده است.

## ۷. روش تحقیق

به طور معمول در علوم انسانی روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد؛ در این نوشتار نیز از همین شیوه استفاده گردیده است.

## ۸. کاربردهای احتمالی تحقیق

شناسایی مبانی اعمال قاعده اکثریت اهمیت قابل توجهی در جلوگیری از تضییع حقوق اقلیت ایفا خواهد کرد، زیرا بر اساس مبانی مذکور می‌توان جایگاه اعمال قاعده را تبیین کرده و به این طریق از تضییع حقوق اقلیت جلوگیری به عمل آورد. در حقیقت شناسایی مبانی این قاعده مواردی را که در آن تصمیم‌گیری باید به وسیله رأی اکثریت سرمایه‌ای اتخاذ شود، روشن می‌کند.



## بخش نخست: قاعده اکثریت، کارآیی و ماهیت شرکت سهامی

در این بخش ابتدا باید به بررسی مفاهیم «قاعده اکثریت» و «کارآیی» پرداخته شود، از آنجا که این مفاهیم از علوم سیاسی و اقتصادی وارد حقوق گردیده بررسی آن‌ها و ارائه توضیح پیرامون مفهومشان ضروری است (فصل نخست). در فصل دوم نیز به بررسی «قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت از شرکا»، «فرآیند اتخاذ تصمیم در شرکت‌های سهامی» و «نظریه قراردادی بودن شرکت» پرداخته می‌شود، مبنای حقوقی که جهت توجیه اعتبار رأی اکثریت ارائه شده، بر این سه مورد استوار گردیده و در نتیجه باید به بررسی این موارد پرداخته شود.

### فصل نخست: قاعده اکثریت و کارآیی

«قاعده اکثریت» از مفاهیم مهمی است که در علوم سیاسی کاربرد دارد و مفهوم آن برای اشخاصی که در رشته مذکور مطالعات داشته‌اند روشن می‌باشد؛ در حقوق انگلیس با استفاده از این قاعده که از علوم سیاسی اقتباس شده است، تلاش گردیده تا اعتبار رأی اکثریت در شرکت‌های سهامی توجیه شود.<sup>۱</sup> هم چنین «کارآیی» از مفاهیم بنیادین و پرکاربرد علم اقتصاد است که برای اقتصاددانان مفهومی آشنا است. از آنجا که «قاعده اکثریت» و «کارآیی» شالوده نظریات سیاسی و اقتصادی را که از مبنای اعتبار رأی اکثریت در شرکت‌های سهامی است، تشکیل می‌دهد مناسب است در اینجا به بررسی این دو مفهوم پرداخته شود.

### گفتار نخست: مفهوم قاعده اکثریت

اصطلاح «قاعده اکثریت» به قاعده‌ای از تصمیم‌گیری درون یک گروه خاص اطلاق می‌شود. در ساده‌ترین شکل این قاعده رأی هر عضو با رأی دیگران برابر به شمار آمده و رأی یا نظر اقلیت نمی‌تواند رأی یا تصمیمی را که بوسیله اکثریت اتخاذ گردیده است، باطل سازد. در مفهوم گسترده‌تر این قاعده نظر اقلیت نه تنها نمی‌تواند بر نظر اکثریت غلبه کند، بلکه تصمیم اتخاذ شده بوسیله اکثریت قطعی بوده و برای تمام اشخاص لازم‌الاتباع است.<sup>۲</sup>

---

۱. در حقوق فرانسه با مقایسه شرکت و سازمان‌های حقوق عمومی یا مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی و انجمن‌های مختلف قدرت برتر اکثریت توجیه شده است. در حقیقت بنا بر دیدگاه حقوقدانان فرانسوی شرکت مانند نهادهای عمومی جهت اجرای هدفی که دارد نیازمند رجحان و حاکمیت اراده‌ی جمعی یا اکثریت بر اقلیت مخالف است. یعنی از آنجا که توافق همگان امری بس دشوار و نادر است، در فعالیت‌های جمعی ناگزیر باید رأی اکثریت را حاکم دانست و بر این مبنای اتخاذ تصمیم کرد. صقری، محمد، حقوق بازرگانی، شرکت‌ها، ج اول و دوم، ج اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳، ص ۲۹.

2. Arrow, Kenneth J., Social Choice and Individual Values, 2<sup>nd</sup>, New York, Cowles Foundation for research in Economics at Yale University, 1963, P.37.

به طور کلی، «قاعده اکثریت» یک قاعده تصمیم‌گیری به شمار آمده که بر طبق آن گزینه‌هایی که بیشترین آراء را کسب کرده‌اند، انتخاب می‌شوند. این قاعده، یک قاعده تصمیم‌گیری بسیار با نفوذ است که به صورت گسترده در بخش‌های مختلف سیاسی، از جمله نهادهای قانون‌گذاری، در اکثر کشورهای دموکراتیک دنیا، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حقوق نیز موارد بسیاری وجود دارد که در آن از این قاعده بهره گرفته می‌شود. از جمله مهم‌ترین این موارد حقوق شرکت‌ها است.

### بند نخست: مفهوم قاعده اکثریت و انواع آن

«قاعده اکثریت» اصطلاحی است که در مباحثات سیاسی بسیار به کار برده شده و مفهوم کلی آن این است که در کشورهایی که با اصول مردم‌سالار اداره می‌شوند، رأی و نظر اکثریت مردم نافذ و قاطع بوده و اقلیت باید از آن تبعیت کنند. در کشورهای پیشرفته احترام به رأی اکثریت امری طبیعی به شمار آمده و حزب حاکم در صورت شکست در انتخابات بدون هر گونه اعتراضی حکومت را به حزب مخالف یا رقیب خود واگذار خواهد کرد.

اگرچه در برخی تعاریف ارائه شده از مردم‌سالاری از قاعده اکثریت نام برده نشده است، اما در مورد هر مسئله‌ای که از طریق انتخابات و بر مبنای رأی مردم تصمیم‌گیری می‌شود، ردپای «قاعده اکثریت» به روشنی مشاهده می‌گردد. در حقیقت می‌توان گفت سنگ بنای مردم‌سالاری بر قاعده اکثریت استوار شده است؛ بنابراین برای روشن شدن مفهوم قاعده اکثریت توجه به مفهوم مردم‌سالاری ضروری است.

در خصوص مردم‌سالاری تعاریف متعددی ارائه گردیده است. به عنوان مثال «جوزف شوم پیتتر»<sup>۳</sup> مردم‌سالاری را روش دموکراتیک سازمان یافته‌ای برای نیل به تصمیمات سیاسی‌ای که در آن از طریق انتخابات رقابت آمیز و بر مبنای رأی و نظر مردم، نامزدها به قدرت و مقام تصمیم‌گیری می‌رسند، تعریف می‌نماید.<sup>۴</sup> «کوهن»<sup>۵</sup> از مردم‌سالاری تعریفی متفاوت از «شوم پیتتر» ارائه نموده است. «کوهن» به تمامی از مردم‌سالاری به عنوان یک حکومت جمعی یاد می‌کند. به عقیده او مردم‌سالاری، حکومت جمعی‌ای است که در آن از بسیاری لحاظ، اعضای اجتماع به طور مستقیم یا غیرمستقیم در گرفتن تصمیم‌هایی که به همه آنها مربوط می‌شود شرکت دارند، یا می‌توانند شرکت داشته باشند.<sup>۶</sup>

3. Joseph Schumpeter.

۴. شوم پیتتر، جوزف، کاپیتالیزم، سوسیالیسم، مردم‌سالاری، مترجم: احمد شهسا، چ اول، تهران، انتشارت روزنه، ۱۳۷۳، ص ۱۰.

5. Thomas Kuhn.

۶. صالحی، محمد جواد، مردم‌سالاری و اعتبار رأی اکثریت در اسلام، چ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳، ص

در تعریفی که «جیمز برایس»<sup>۷</sup> از مردم سالاری ارائه کرده است، به روشنی مفهوم حکومت اکثریت قابل مشاهده است. او اعتقاد دارد که واژه‌ی مردم سالاری را در معنای قدیمی و دقیق آن به کار برده است. به عقیده‌ی وی مردم سالاری بر حکومتی که در آن خواسته‌های اکثریت شهروندان را شایسته حکم فرمایی می‌کند، دلالت داشته و شهروندان شایسته باید تشکیل دهنده سه چهارم جمعیت باشند، به گونه‌ای که قدرت بدنی آنان (به معنای کلی) با قدرت رأی ایشان برابر باشد.<sup>۸</sup> دقت نظر در تعریف لرد برایس به این نتیجه رهنمون می‌گردد که او اکثریت را در معنایی خاص مد نظر دارد.

«آنتونی بلاستر»<sup>۹</sup> در تعریفی دیگر از مردم سالاری، بیان می‌دارد که این واژه بدین مفهوم است که دولت از طریق انتخابات رقابت آمیز برگزیده شده و نماینده اکثریت مردم می‌باشد.<sup>۱۰</sup>

بنابراین حکومت اکثریت یا به عبارت دیگر اصل اکثریت، اصلی است که براساس آن تصمیمات در مردم سالاری‌ها باید توسط بیشترین تعداد شهروندان در هر واحد سیاسی اتخاذ شود.<sup>۱۱</sup> به عبارت دیگر ماهیت مردم سالاری تأمین حداکثر مشارکت شهروندان در تصمیم گیری‌های عمومی بوده و ضروری است که برای تحقق آن، وسیله‌های متناسب با آن برگزیده شود. در میان قواعد تصمیم گیری، اصل اکثریت، تأمین کننده‌ی چنین امری است و بیشترین آرای مردم را در سیاست در نظر می‌گیرد. از همین رو، اکثریت آشناترین اصلی است که مردم سالاری از آن استفاده می‌کند و چنان پیوند عمیقی با همدیگر دارند که در بیشتر موارد یکی پنداشته می‌شوند. ولی واقعیت این است که این قاعده، تنها ابزاری در خدمت تحقق اهداف مردم سالاری است و اگر چه مردم سالاری بر بنیان «قاعده اکثریت» استوار گردیده است<sup>۱۲</sup> اما با آن ملازمه‌ای ندارد. درحقیقت اکثریت مظهر اراده‌ی عمومی به شمار می‌آید، زیرا هیچ جامعه و ملتی یافت نمی‌شود که همه افراد و اعضایش نسبت به سرنوشت خود اتفاق نظر داشته باشند، بنابراین هنگام انتخابات عمومی یا در زمان گزینش فرمان روایان، گروه‌ها و احزاب در برابر هم صف آراییی کرده و متاع خویش را در بازار سیاست عرضه می‌کنند. هر شخصی که در این گیر و دار اکثریت آراء را به دست آورد، زمام امور جامعه را برای مدتی در دست گرفته و جامعه را بر حسب اندیشه یا مسلک خود اداره می‌کند.<sup>۱۳</sup>

7. James Bryce.

۸. کلایمردی، کارل و دیگران، آشنایی با علم سیاست، مترجم بهرام ملکوتیان، چ اول، تهران، نشر سیمرخ، ۱۳۵۶، ص ۱۰۲.

9. Antony Blaster.

۱۰. بلاستر، آنتونی، مردم سالاری، مترجم: حسن مرتضوی، چ اول، تهران، انتشارات آشتیان، ۱۳۷۹، ص ۱۵.

۱۱. آقا یحیی، علی، افشاری راد، مینو، فرهنگ سیاسی، انتشارات نشر چاپار، چ سوم، ۱۳۸۹، ص ۳۹۴.

12. Gersbach, Hans, Flexible Majority Rules in democracyville: A guided tour, Mathematical Social Sciences, Vol.85, 2017, p.38, Available at: [http://ac.els-cdn.com/S0165489616300798/1-s2.0-S0165489616300798-main.pdf?\\_tid](http://ac.els-cdn.com/S0165489616300798/1-s2.0-S0165489616300798-main.pdf?_tid), Last visited: 16/06/2017.

۱۳. قاضی (شریعت پناهی)، سید ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چ یازدهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳، ص ۲۴۷.

در ادامه به ویژگی‌هایی که برای قاعده اکثریت ذکر گردیده و انواع آن پرداخته می‌شود:

## الف- ویژگی‌های قاعده اکثریت

برای تحقق قاعده اکثریت ویژگی‌هایی شمرده شده است، این ویژگی‌ها عبارت است از:<sup>۱۴</sup>

**یکم- منصفانه بودن:** این ویژگی خود به دو مؤلفه تقسیم می‌گردد:

۱. گمنامی: این قاعده تصمیم‌گیری با هر رأی دهنده به صورت مساوی برخورد می‌کند. زمانی که از قاعده اکثریت استفاده می‌کنیم، نباید هیچ تمایزی بین اشخاصی که رأی می‌دهند، بوجود آید؛ زیرا عقیده و نظر هیچ‌یک از رأی دهندگان بر عقیده و نظر دیگران برتری ندارد. به همین دلیل گفته می‌شود که نیازی به شناسایی رأی دهندگان نیست.

۲. بی‌طرفی: این قاعده تصمیم‌گیری با هر گزینه به صورت برابر برخورد می‌کند. همه گزینه‌ها برای برنده شدن بایستی به صورت کاملاً برابر با هم مورد نظر قرار گیرند، در این قاعده هیچ گزینه‌ای بدون رأی بیشتر نمی‌تواند غالب شود.

به صورت دقیق، قاعده اکثریت تنها زمانی این معیار را دربر خواهد داشت که تعداد رأی دهنده‌ها بی‌نهایت یا فرد باشد. در صورتی که تعداد رأی دهنده‌ها برابر باشد، امکان دارد به جهت وجود قیدی معیار بی‌طرفی رعایت نگردد.<sup>۱۵</sup>

**دوم- قطعیت:** این قاعده تصمیم‌گیری به صورت قاطع یک گزینه را مورد انتخاب قرار می‌دهد، و برنده‌ای که اکثریت آراء را دارد تنها یک گزینه است.

**سوم- برابری:** آرای رأی دهندگان از حیث ارزش و اعتبار با یکدیگر برابر است، به همین جهت گزینه‌ای برنده خواهد بود که اکثر رأی دهندگان را به خود جلب نموده باشد. بنابراین بدیهی است اگر ترجیحات رأی دهندگان به سمت گزینه‌ی دیگری سوق پیدا کند، گزینه‌ی اخیر بیشترین رأی را به دست آورده و بنابراین برنده خواهد شد. در نتیجه می‌توان گفت در این قاعده صرفاً بر اساس ترجیحات رأی دهندگان تصمیم‌گیری خواهد شد.

14. Fey, Mark, May's Theorem with an Infinite Population, Social Choice and Welfare, 2004, Vol. 23, issue 2, pp. 275-293.

15. McGann, Anthony J., The Logic of Democracy: Reconciling, Equality, Deliberation, and Minority Protection, 1<sup>st</sup>, An Arbor, University of Michigan Press, 2006, P 132.